



زلزله بم ،

آشاکر چهره ضد مردمی جمهوری اسلامی!

مخابره شده بود، تا بعد از ظهر همان روز عملاً هیچ اقدام موثر و کارسازی توسط مقامات ضد خلقی رژیم صورت نپذیرفت و این امر باعث شد که روز اول حادثه که مهمترین روز به لحاظ امداد رسانی و نجات جان حداکثر قربانیان بود، بدون نتیجه از دست برود. در این حال در شب اول حادثه، بسیاری از آسیب دیدگان در شرایط سرمای ۵ درجه زیر صفر جان خود را از دست دادند. به این ترتیب با اهمال رژیم، هزاران تن از زنان و مردان و کودکان معصوم و بی گناهی که در صورت واکنش به موقع امکان نجاتشان بود، در زیر خروارها خاک و سنگ و آجر زنده به گور شده و به تدریج جان دادند.

(ادامه مطلب در صفحه ۳)

کاری کرد تا ظرفیت ویران کننده فاجعه بم با قدرت و بار نابودکنندگی هر چه بیشتری تجلی یابد و دامنه باورنکردنی خسارات مادی و معنوی جبران ناپذیر آن با ابعادی تصاعدی حیات و هستی توده های تحت ستم این منطقه را درنوردد.

گزارشات منتشره در مطبوعات نظام و اظهارات خود کارگزاران جمهوری اسلامی نشان می دهند که به رغم وقوع چندین پیش لرزه هشداردهنده در روزهای قبل و شب حادثه، مسئولان نظام هیچ یک از تدابیر احتیاطی معمول را انجام ندادند. همچنین با وجود آنکه تنها چند دقیقه پس از وقوع زلزله در ساعت حدوداً ۵ صبح روز جمعه، خبر این فاجعه به تهران

داغدار زلزله نه تنها باعث صعود وحشتناک تعداد قربانیان گردید بلکه بار رنج و غم و محنت بی پایان ناشی از این حادثه مخوف را هرچه بیشتر بر گرده بازماندگان رنج دیده سرشکن نمود. با توجه به ساخت خشتی اغلب ساختمان های شهر، هولناکی فاجعه ای که در اثر وقوع زلزله بوجود آمد، قابل درک است. اما جمهوری اسلامی به عنوان یک رژیم تا مغز استخوان فاسد و ضد خلقی با برخورد فاجعه بارتر خویش نسبت به بازماندگان زلزله

فاجعه زلزله در شهر بم که به مرگ بیش از ۵۰۰۰۰ تن و بی خانمانی و در بدری ده ها هزار تن دیگر از توده های رنج دیده این شهر انجامید، بستری است که در آن می توان چهره ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی را هر چه آشکارتر مشاهده نمود. اهمال حکومت در نشان دادن واکنش سریع و به موقع در زمان وقوع این فاجعه و عدم رسیدگی های لازمه مقامات فاسد و غارتگر جمهوری اسلامی به بازماندگان

تصویب قوانین ضد کارگری جدید توسط دولت خاتمی

کارگران و پابمال کردن جزئی ترین حقوق آنان، خواهان آزادی مطلق و رفع تمامی مزاحمتها و موانع "قانونی" می باشند. در ادامه این مصوبه آمده که تنها در صورت "شکایات" کارگران بر علیه کارفرمایان آنهم به صورت انفرادی ست که این سازمان موظف به رسیدگی به موضوع و احقاق حقوق شاکی می باشد. واضح است که ذکر این استثناء برای مداخله سازمان مزبور مثلاً در وصول بیمه های کارگری در عمل به هیچ درد کارگران نمی خورد. چرا که مسئولین و مقامات این نظام ضد خلقی به خوبی می دانند که در شرایط گسترش هولناک هیولای

دولت خاتمی در ادامه تهاجمات سیستماتیک خود به حیات و هستی کارگران محروم ایران، در آخرین روزهای حیات مجلس به اصطلاح "اصلاح طلب" خویش قانون ضد کارگری دیگری را از تصویب گذراند. مطابق ماده ۹۴ مصوبه ارتجاعی اخیر، سازمان تأمین اجتماعی که ظاهراً مرجع رسیدگی به شکایات کارگران در مورد حق بیمه و مسئول وصول بیمه های کارگری است، از این پس "حق ورود" به کارگاه ها برای "بازرسی و وصول مطالبات" این سازمان را ندارد. امری که به وضوح تأمین کننده منافع سرمایه داران چپاولگری است که در امر غارت

الحمایه دولت را به خود راه نمی دهند. چرا که در این صورت خطر اخراج و در نتیجه بیکاری و گرسنگی خود و خانواده هایشان تنها چشم انداز موجود در مقابل آنان خواهد بود.

(ادامه مطلب در صفحه ۲)

بیکاری در میان طبقه کارگر و وجود صفوف عظیم ارتش ذخیره کار و در نتیجه گسترش احساس ناامنی دائمی در میان کارگران شاغل، بسیاری از کارگران ستم دیده در صورت بروز اختلاف، برای حفظ موقعیت لرزان شغلی خویش اصولاً حتی فکر شکایت از کارفرمایان الوصفت و تحت

" بریتانیای پنهان "

روزنامه "دیلی میرور" انگلیس اخیراً با چاپ مقاله ای در مورد وضعیت اقتصادی کودکان طبقات محروم گوشه هایی از شدت فقر و به ویژه وضعیت کودکان فقیر در بریتانیا را به نمایش گذارد. مطالعه این مقاله که "بریتانیای پنهان" نام دارد و تعمق در آمار هولناک آن نشان می دهد که مناسبات غارتگرانه امپریالیستی حاکم در کشورهای به اصطلاح پیشرفته ای نظیر انگلستان، چه درجه ای از بی عدالتی های اقتصادی- اجتماعی را برای مردم این کشور و به ویژه طبقات محروم و زحمتکش به ارمغان آورده است.

(ادامه مطلب در صفحه ۲)



تصویب قوانین ضدکارگری جدید توسط دولت خاتمی

(بقیه از صفحه ۱)

این واقعیت، در طول سالها، ایجاد نهادی که برآستی در جهت بوجود آوردن تسهیلات برای تأمین اجتماعی کارگران حرکت کند، به یکی از شعارها و خواست های کارگران پیشرو و جنبش کارگری تبدیل گشته است. اما رژیم جمهوری اسلامی بنابه ماهیت ضدخلقی خویش بجای ایجاد نهادهای مدافع حقوق صنفی و اجتماعی کارگران، به نحو فزاینده ای کوشیده تا هر جا هم که وجود و یا عملکردهای این نهادهای دولت ساخته کوچکترین مغایرتی با منافع سرمایه داران ز الوصفت پیدا می کند، این تضاد را با تصویب قوانین تبهکارانه و ارتجاعی به نفع سرمایه داران و صدالبته به ضرر کارگران حل سازد. با توجه به واقعیت فوق، تصویب قانون سلب حق ورود نمایندگان این سازمان به اماکن کار برای بازخواست های صنفی از کارفرمایان گام آشکار دیگری در باز گذاشتن دست

سازمان تأمین اجتماعی، خود به مثابه یکی از دست آوردهای مبارزاتی کارگران ایران در سالهای قبل از کودتای ۲۸ مرداد، با استقرار حکومت شاه و سپس در طول حکومت رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی، به عنوان حافظ و پاسدار منافع سرمایه داران ز الوصفت وابسته به امپریالیسم، همچون سایر نهادهای دولتی دست ساز حکومت، در عمل ارگانی برای قانونیت بخشیدن به چپاول و استثمار طبقه کارگر توسط دولت سرمایه داران بوده است. به اعتبار

علیه دولت خاتمی برانگیخت و حتی بعضی از مقامات نهادهای به اصطلاح کارگری حکومت نیز که مسئول کنترل و سرکوب کارگران می باشند، نسبت به این قانون اعتراض نمودند. در عکس العمل نسبت به تصویب این قانون ضدکارگری، کارگران در تهران در صدد ایجاد تجمع در مقابل مجلس برآمدند که این اقدام با مداخله نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی متوقف شد. شایان ذکر است که در سالهای اخیر دولت فریبکار خاتمی با سرعتی جنون آسا به تصویب قوانین ضدکارگری در تمام عرصه ها بر علیه کارگران پرداخته و در نتیجه وضعیت کار و معاش و حیات کارگران و خانواده هایشان به گونه ای فزاینده سقوط کرده است.

سرمایه داران استثمارگر به منظور تشدید غارت و چپاول کارگران است. به واقع تصویب این قانون به معنی سلب جزئی ترین حقوق اقتصادی- اجتماعی طبقه کارگر بدون وجود هیچگونه محدودیتهای "قانونی" حتی بر روی کاغذ است. طبیعتاً با تصویب قانون ضدکارگری جدید، کارفرمایان و صاحبان کار فارغ البال تر از گذشته و بدون هیچ هراسی از "مداخلات" نهادها و مراجع به اصطلاح کارگری دولت و مهمتر از آن با اتکاء به "قانون" و "موازین قانونی" از این پس حیات کارگران را هر چه بیشتر در منگنه گذارده و با عدم پرداخت سهم کارفرما از بیمه کارگران و زیر پا گذاردن سایر تعهدات کارفرما در تأمین اجتماعی کارگران، حقوق کارگران محروم ما را حتی شدیدتر از قبل پایمال خواهند نمود.

اعلام مصوبه جدید مجلس موجی از خشم کارگران را بر

در سالهای اخیر به موازات پیشرفت و تعمیق بحران اقتصادی در نظام سرمایه داری جهانی در حالیکه تلاش دولت ها و طبقه حاکم برای سرریز کردن بار خانه خراب کن این بحران ها بر دوش طبقات محروم و تشدید استثمار و غارت اکثریت جامعه ادامه دارد، بر شکاف طبقاتی در جوامع متروپل به شدت افزوده شده است. اوضاع اقتصادی نابسامان میلیون ها تن از زنان و مردان و کودکان فقیر در بریتانیا صحت این واقعیت را اثبات کرده و چهره ضدمردمی و ناعادلانه نظام سرمایه داری را بار دیگر به نمایش می گذارد.

در قسمت دیگری از این مقاله آمده که هر ساله در اثر سرمای زمستان ۲۰ تا ۵۰ هزار مورد بر میزان مرگ و میر افراد سالخورده اضافه می شود آنهم به این دلیل که این افراد به دلیل فقر مفرط، از منابع مادی کافی برای گرم نگاه داشتن مسکن خود محرومند. مقاله می افزاید که در بریتانیای امروز اکثریت ۸/۵ میلیون تن افرادی که به عنوان "معلول" و "آسیب دیده" زندگی می کنند، در زیر خط فقر به سر می برند و متوسط درآمد خانواده های معلول ۲۰ تا ۳۰ درصد از خانواده های معمولی کمتر است.

"بریتانیای پنهان"

(بقیه از صفحه ۱)

مطابق آمار این روزنامه، هم اکنون ۴ میلیون کودک بریتانیایی در این کشور در فقر زندگی می کنند و این در حالی است که انگلستان چهارمین کشور نیرومند به لحاظ اقتصادی است. همچنین بیش از ۵/۵ میلیون خانوار انگلیسی در "مرز محرومیت" به سر می برند و از این نظر، دولت انگلیس در میان جوامع "پیشرفته" یکی از سیاهترین کارنامه ها را از خود به جای گذارده است. نویسنده این مقاله در "دلیلی میروور" اشاره می کند که "یک جفت کفش کاملاً اندازه، یک کت گرم، سه وعده غذا در روز و پول کافی برای دعوت دوستان به چای! برای یک کودک، اینها انتظارات بزرگی نیست.



اما در بریتانیای امروز ۲/۴ میلیون کودک وجود دارند که حتی از دو قلم از این نیازهای ابتدایی برخوردار نیستند."



تظاهرات دانشجویی در آلمان

ده ها هزار از دانشجویان شهرهای برلین، لایپزیک و فرانکفورت در آلمان، روز شنبه ۱۳ دسامبر سال جاری به خیابان ها ریخته و بر علیه سیاست های ضد مردمی دولت آلمان که زیر نام "صرفه جویی" شرایط زندگی و معاش آنان را نسبت به گذشته هرچه سخت تر کرده است، به تظاهرات پرداختند.

در تظاهرات شهر برلین علاوه بر دانشجویان سه دانشگاه که کلاس های درسی را به مدت چند هفته تحریم کرده اند، دانش آموزان و اعضا اتحادیه ها نیز شرکت داشته اند.





سرمایه داری وابسته و رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی آن عاملی است که حیات و هستی هزاران تن از توده های محروم را هر بار در جریان فجایعی نظیر سیل و زمین لرزه فنا می کند. آن هم در شرایطی که می شود با تخصیص بودجه های لازم، با اقدامات پیش گیرنده، با ساخت مسکن مقاوم در برابر حوادث طبیعی و بالاخره با رسیدگی سریع و به موقع به وضعیت زلزله زدگان و با بازسازی سریع حیات ویران شده مردم، جان هزاران تن را نجات داد و از بار آلام بازماندگان این فاجعه کاست. فاجعه زلزله بم یک بار دیگر این واقعیت را با برجستگی تمام به اثبات رساند و چهره زشت و منفور مرگ و نیستی و نابودی را در هیات رژیم ضدحلقی جمهوری اسلامی پدیدار ساخت. جالب است بدانیم که زلزله ای با همان درجه ۶/۵ ریشتر که در بم به وقوع پیوست، در کالیفرنیا که ۴ روز قبل از بم اتفاق افتاد، تنها سه کشته به جا گذاشت.

محاکمه اعضای

سازمان "۱۷ نوامبر"

روز دوشنبه ۸ دسامبر سال جاری ۱۵، دادگاهی در آتن، پایتخت یونان، ۱۵ نفر را به دلیل عضویت در سازمان "۱۷ نوامبر" به حبس های طولی المدت محکوم کرد. در میان این عده، "الکساندروس گیوتوپولوس" به عنوان رهبر سازمان معرفی گردیده است.



الکساندروس گیوتوپولوس

سازمان "۱۷ نوامبر" که خود را یک سازمان مارکسیستی معرفی می کند نام خود را در بزرگداشت خاطره ی دانشجوین دانشگاه پلی تکنیک آتن که در روز ۱۷ نوامبر ۱۹۷۳ بر علیه حکومت کودتای سرهنگان یونان قیام کرده و به خاک و خون غلطیدند، "۱۷ نوامبر" انتخاب کرده است. از جمله افراد ترور شده توسط این سازمان، ۴ دیپلمات آمریکائی، ۲ دیپلمات ترکیه، مسئولین دولتی و سرمایه داران یونانی هستند. آخرین مورد از عملیات این سازمان، ترور یک مستشار نظامی انگلستان در ژوئن ۲۰۰۰ در یونان بوده است.

های پزشکی که تداوم حضور آنها برای بازماندگان فاجعه بسیار حیاتی می نمود، مسئولان رژیم تنها ۵ روز به آنها اجازه استقرار در محل دادند و بنا به سیاست های ضد مردمی خود با عجله اقدام به خارج نمودن دهها تیم امداد و گروه های پزشکی بین المللی از منطقه نمودند. این تصمیم به رغم نیاز مبرم بازماندگان زلزله اتخاذ شد آن هم در شرایطی که قربانیان این فاجعه و به ویژه کودکان به دلیل عدم دفن تمامی اجساد، با خطر شیوع بیماری های واگیردار روبرو بودند و بالنتیجه به مراقبت ها و پیشگیری های پزشکی نیاز داشتند.

از سوی دیگر، یک هفته پس از وقوع زلزله و در شرایطی که شب مرگ هنوز بر فراز شهر بم در پرواز است و هر لحظه قربانیان جدیدی می گیرد، این فاجعه عظیم به بازاری برای سودجویان و غارتگران رنگارنگ تبدیل گردیده که بر بستر فقر و فلاکت و بیکاری ناشی از نظام سرمایه داری وابسته که رژیم جمهوری اسلامی آن را نمایندگی می کند، به بم هجوم برده و بساط کسب و کار اهریمنی خویش را در آنجا پهن کرده اند. در اثر عملکردهای تبهکارانه چنین سودجویان و غارتگران سازمان یافته ای که برخا در ارتباط با مافیای دولتی و ارگانهای قدرت کار می کنند فاجعه وحشتناک دیگری در حال وقوع است. گزارشات منتشره نشان می دهند که از زمان وقوع زلزله صدها تن از کودکانی که والدین و بستگان خود را از دست داده و یا از آنها جدا شده اند، توسط باند های مافیایی ربوده شده و برای مقاصد سودجویانه به خارج از منطقه صادر شده اند. برخی از دختران خردسال توسط همین گروه ها که سر نخ بسیاری شان در دست مافیای حکومتی است به کشورهای عربی صادر شده اند. به این ترتیب در چارچوب مناسبات پوسیده و تا مغز استخوان وابسته حاکم، حیات و هستی انسانهای داغ دیده و توده های رنج دیده بازمانده از زلزله بم به مایه ارتزاق استثمارگران بدل شده است. تمامی این فجایع در حالی اتفاق افتاده که مقامات رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی بدون آنکه کوچکترین اشاره ای به نقش نابودکننده خود و نظامشان در عواقب مهلک این فاجعه داشته باشند، با وقاحت تمام در باب روند "خوب" و "موثر" کارها و "امدادسانی" به بلازدگان دروغ می بافند و دستگاه های ارتباط جمعی وابسته و معلوم الحال داخلی و خارجی نیز به خاطر منافع گردانندگانشان به حمایت از ادعاهای جمهوری اسلامی پرداخته اند.

زلزله، طوفان و سیل برخلاف لاطانات فریبکارانه مقامات جمهوری اسلامی، "بلای آسمانی" نیستند. آنها عوارض طبیعی و نشانه عدم تقوی کامل انسان در شناخت و مهار نیروهای ویران ساز طبیعت هستند. هر چند امروز سطح تکنولوژی، علم و دانش بشری بدان حد تکامل یافته که بشر را قادر می سازد تا به شرط وجود یک مناسبات انسانی و عادلانه، همین نیروهای ظاهراً مخوف طبیعت را مهار ساخته و مهمتر از آن دامنه های ضررهای مادی و معنوی و خسارات ناشی از وقوع فجایع طبیعی را کنترل و محدود سازد. واقعیت این است که در ایران محدودیتهای ناشی از حاکمیت نظام استثمارگرانه

زلزله بم . افشاگر چهره ضد مردمی جمهوری اسلامی!

(بقیه از صفحه ۱)

در همین رابطه به رغم سیل کمک های مردمی و امدادهای بین المللی ای که از همان اولین ساعات اعلام خبر به منطقه جاری شد، تا پایان روز چهارم آوارهای یک سوم منازل ویران شده هنوز برداشته نشده بود و این در حالی بود که حتی یک هفته پس از وقوع زلزله هنوز پیکرهای زنده از زیر خاک بیرون می آمد. در این میان دهها هزار تن از مردمی که از این حادثه جان سالم به در بردند نیز در وضع بسیار وخامت باری به سر می برند. بسیاری از بازماندگان حادثه، که تعداد عزیزان از دست رفته شان گاه به ۱۰ تا ۱۴ نفر هم می رسد، در سرمای طاقت فرسای هوای بم مجبور به گذراندن شب در فضای باز شدند و این در حالی بود که هزاران تخته چادر ارسالی به منطقه به علت عدم سازماندهی درست در بین نیازمندان توزیع نشده بود. ابعاد این برخورد طوری بود که سرو صدای کارگران رژیم را درآورده و نماینده رژیم در کرمان نیز اعتراف کرد که به رغم تبلیغات جاری، سه روز پس از وقوع حادثه "امداد



رسانی به گندی انجام می شود."

به جای رسیدگی فوری و گسترده به نیازهای مردم داغ دیده و محتاج، اقدامات مقامات رژیم قبل از هر چیز به طور اولی به گسیل نیروهای سرکوبگر از سایر نقاط به بم و استقرار آنها در ویرانه های این شهر بلازده برای تأمین به اصطلاح "امنیت" و جلوگیری از ایجاد "تنش" و "ناآرامی" متمرکز شده بود. به طوری که در همان شب اول پس از وقوع حادثه هزاران تن از نیروهای ارتش و بسیج و سپاه و سایر ارگانهای سرکوب از کرمان و قزوین و اصفهان به بم سرازیر شده و در نقاط مختلف مستقر شدند.

مسئله کمک های پزشکی و چگونگی برخورد به این کمک ها و سازماندهی آنها توسط رژیم جمهوری اسلامی نیز مورد دیگری است که با بررسی آن می توان به نقش ضد مردمی دست اندرکاران حکومت در تشدید بار گران عواقب مادی و معنوی این فاجعه بر دوش توده های ستم دیده پی برد. به رغم حضور گسترده تیم های امداد ارسالی از سایر کشورها و به ویژه تیم



جلوه ای از جنایات آمریکا در عراق



در چارچوب تدابیر ضدخلفی اشغالگران آمریکایی برای پنهان نگاه داشتن ابعاد جنایاتشان در عراق، اخیراً فاش شد که مسئولین بیمارستان ها در عراق از گرفتن آمار کشته شدگان و مجروحین غیرنظامی منع شده اند.

رئیس بخش آمار سازمان بهداشت عراق، دکتر محسن، در روز دهم دسامبر به خبرنگاران گفت که دستور منع آمارگیری در بیمارستان ها از جانب "وزیر بهداشت" حکومت انتقالی دست نشانده آمریکا صادر شده است. اما وزیر بهداشت که برای شرکت در کنفرانسی در مصر به سر می برد، این خبر را تکذیب کرد.

گرچه از زمان اشغال عراق و کشتار روزمره مردم معترض توسط نیروهای آمریکایی تا کنون، هیچ نوع آماری از تعداد کشته شدگان عراقی توسط اشغالگران ارائه نشده است، اما اخیراً یکی از آمارگیری های "لس آنجلس تایمز" از ۲۷ بیمارستان بغداد نشان میدهد که تنها در عرض ۵ هفته از ۲۰ مارچ به بعد ۱۷۰۰ نفر فقط در بغداد کشته شده اند.

سرشماری دیگری از نصف بیمارستان های عراق توسط آسوشیتدپرس، تعداد کشته

شدگان را از ۲۰ مارچ تا ۲۰ آوریل ۳۲۴۰ نفر اعلام کرد. این آمار وحشتناک راجع به تعداد قربانیانی که هرروز در جریان جنایات نیروهای اشغالگر آمریکایی و شرکا جان خود را از دست می دهند به هیچ رو کامل نیست. چرا که بسیاری از کشته شدگان به بیمارستان ها برده نمی شوند و توسط دست اندرکاران مساجد دفن می شوند. ■

اعتصاب غذای

پناهندگان در استرالیا



بازداشتگاه "Woomera" در جنوب استرالیا

پناهندگان محبوس در زندان "Port Headland" استرالیا که ۲۸۴ پناهنده منجمله ۹۳ کودک را در خود جای داده، برای پنجمین بار در عرض ۴ سال گذشته دست به اعتصاب غذا زدند. این اعتصاب غذا برای اعتراض به عدم رسیدگی به پرونده های آنان و اعمال خشونت و شکنجه مقامات استرالیایی در زندان است. بیشتر این پناهندگان مدت ۴ یا ۵ سال است که در زندان به سر می برند. یک پناهنده ایرانی ۶ سال است که در این زندان در بند است.



تاکنون ۱۴ نفر از پناهندگان در اثر اعتصاب غذا بیمار شده و به بیمارستان فرستاده

شده اند. آنها حتی از خوردن دارو خودداری می کنند. ۴ نفر از آنها لب هایشان را به هم دوخته اند و اغلب آنها به خونریزی مثانه دچار شده اند.

دولت استرالیا برغم سر دادن شعارهای "دمکراتیک" و "انساندوستانه"، در سالهای اخیر با سرعت فزاینده ای به اتخاذ سیاستهای غیر انسانی و سرکوبگرانه بر علیه پناهجویان پرداخته و در مسابقه برای زندانی کردن، شکنجه و دپورت پناهجویان بی گناه گوی سبقت را از بسیاری از دول هم کیش خود ربوده است. ■

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره فکس و تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 208 - 8805621

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

